



فصلنامه روابط خارجی

۱۸

علمی - پژوهشی

سال پنجم • شماره ۲ • تابستان ۱۳۹۲

مقالات

- حقوق بشر و مکانیسم بررسی ادواری جهانی / حسین شریفی طرازکوهی و محسن امیدزمانی
- روابط اروپا و چین و مقوله نقض حقوق بشر / اصغر کیوان حسینی و محمدرضا شیخی
- رویه قضایی در مورد اعدام اتباع ایرانی در عربستان / آرامش شهبازی و جواد کاشانی
- برزیل و اصلاح ساختار شورای امنیت / مهدی فاخری و شمس‌الله عظیمی
- جستجویی در منابع داخلی رفتار بین‌المللی چین / عبدالعلی قوام و زکیه یزدان شناس
- قدرت‌های بزرگ و وحدت کره / رضا سیمبر، وحید قربانی و عیسی مرادی افرایلی
- شکاف‌های نوین سیاسی در جوامع اروپایی / سید محمد طباطبایی
- بررسی تحولات انقلابی کشورهای عربی از منظر نظریات روابط بین‌الملل / الهام رسولی ثانی آبادی



پژوهش‌های بین‌المللی

قیمت: ۳۰۰۰ تومان



روابط خارجی

فصلنامه پژوهشکده تحقیقات راهبردی

سال پنجم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۲

شورای سیاست‌گذاری

حمید ابوطالبی، اسفندیار امیدبخش، کیهان یزرگر، مرتضی بانک، ناصر ثقفی عامری،
علیرضا حقیقیان، سید شمس‌الدین خارقانی، غلامعلی چگنی‌زاده، امیرحسین زمانی‌نیا،
سید محمدکاظم سجادی‌پور، هادی سمتی، محمود شوری، حسین صادقی، محمدجواد ظریف،
سید محمدحسین عادل، حسین ملانک، عباس ملکی، ناصر هادیان، فریدون وردی‌نژاد

داوران این شماره

سید محمد کاظم سجادی‌پور، رضا موسی‌زاده، مهدی دانش یزدی، پیروز ایزدی، داود کیانی، بهاره
سازمند، سید مسعود موسوی شفقانی، مهدی زاهدی، محمد توحیدفام، ابوذر گوهری مقدم

این فصلنامه به استناد نامه شماره ۱۲۴/۲۴۰۳ مورخ ۸۷/۵/۳۰

هیئت نظارت بر مطبوعات منتشر می‌شود و براساس مجوز شماره ۸۹/۳/۱۱/۲۶۹۴۰

مورخ ۱۳۸۹/۷/۱۵ کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دارای مرتبه علمی - پژوهشی می‌باشد.

این فصلنامه در پایگاه‌های استنادی علوم جهان اسلام (ISC) به نشانی www.isc.gov.ir و اطلاعات علمی جهاد
دانشگاهی به نشانی www.sid.ir نمایه می‌شود.

نشانی: تهران، رویه‌روی بوستان نیاوران، شماره ۸۰۲

کدپستی: ۳۱۱۱۳-۱۹۵۴۷، صندوق پستی: ۵۸۵۵-۱۵۸۷۵

تلفن: ۲۲۲۹۶۴۹۴، نمابر: ۲۲۸۰۱۲۷۰

پست الکترونیک: fr@isrjournals.ir، سایت: <http://www.isrjournals.ir>

قیمت: ۳۰۰۰۰ ریال



پژوهشکده تحقیقات راهبردی

صاحب امتیاز:

پژوهشکده تحقیقات راهبردی

مرکز تحقیقات استراتژیک

مجمع تشخیص مصلحت نظام

مدیر مسئول:

حسن روحانی

سرمدیر:

سید جلال دهقانی فیروزآبادی

رئیس شورای سیاست‌گذاری:

محمود واعظی

شاپا: ۵۴۱۹-۲۰۰۸

مدیر اجرایی:

افسانه احدی

ویراستار:

حسن میرزایی

صفحه‌آرا:

سمیه صالح‌نیا

چاپ، لیتوگرافی و صحافی:

مرکز تحقیقات استراتژیک

فهرست مطالب

مقالات

- افزایش احترام به حقوق بشر در پرتو مکاتیبم «بررسی ادواری جهانی» /
۷ حسین شریفی طرازکوهی و محسن امیلزمانی
- چگونگی اثربخشی مقوله نقض حقوق بشر در روابط اروپا و چین /
۳۷ اصغر کیوان حسینی، محمدرضا شیخی مفرد و محمدرضا چیت‌سازیان
- اعدام اتباع ایرانی در عربستان سعودی: ضرورت بازخوانی رویه قضایی در خصوص نقض مفاد
کنوانسیون روابط کنسولی (۱۹۶۳) /
۶۳ آرامش شهبازی و جواد کاشانی
- برزیل و اصلاح ساختار شورای امنیت: فرصت‌ها و چالش‌ها /
۹۳ مهدی فاخری و شمس‌الله عظیمی
- جست‌وجویی در منابع داخلی رفتار بین‌المللی چین: استفاده بهینه از مقدرات داخلی /
۱۲۵ عبدالعلی قوام و زکریه یزدان‌شناس
- قدرت‌های بزرگ و وحدت کره /
۱۶۱ رضا سیمبر، وحید قربانی و عیسی مرادی افرایی
- شکاف‌های نوین سیاسی در جوامع اروپایی /
۱۸۹ سید محمد طباطبایی
- بررسی تحولات انقلابی کشورهای عربی از منظر لیبرالیسم، سازه‌انگاری و نظریه انتقادی روابط
بین‌الملل /
۲۲۱ الهام رسولی ثانی آبادی

چگونگی اثربخشی مقوله نقض حقوق بشر در روابط اروپا و چین



اصغر کیوان حسینی*

محمد رضا شیخی مفرد**

محمد رضا چیت‌سازیان***

* دانشیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه فردوسی مشهد

** کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای اروپا، دانشگاه علامه طباطبائی

*** کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای اروپا، دانشگاه علامه طباطبائی

Mohamad534_2005@yahoo.com

تاریخ تصویب: ۹۱/۱۱/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۱/۶/۱۴

فصلنامه روابط خارجی، سال پنجم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۲، صص ۶۱-۳۷.

مقدمه

موضوع حقوق بشر و چگونگی و میزان پابندی دولت‌ها به ویژه قدرت‌های بزرگ به اصول و قواعد حقوق بشر گرایانه در چهارچوب سیاست‌های داخلی و خارجی، از مهم‌ترین مقوله‌هایی است که در طول چند دهه گذشته مورد بحث قرار داشته است. اتحادیه اروپا یکی از قدرت‌های اقتصادی کنونی است که حداقل در سطح مواضع اعلامی خویش، نسبت به مضامین حقوق بشر گرای حساسیت خاصی را ابراز داشته و بر این مبنا، دامنه و عمق روابط با دیگر بازیگران خاصه در حوزه روابط اقتصادی و تجاری را در همین چهارچوب به پیش برده است. در این ارتباط، می‌توان به چین اشاره کرد. چگونگی اثربخشی مؤلفه حقوق بشر گرایی در روابط متقابل این دو را در مقاطع زمانی مختلفی می‌توان پیگیری کرد؛ که در این میان واقعه تیان‌آنمن در اواخر دهه ۱۹۸۰، به نقطه عطفی در روابط میان این دو یعنی اروپا و چین تبدیل شد. در واقع، در پی واقعه یادشده، نقش حداقلی حقوق بشر در روابط دو طرف از اهمیت خاصی برخوردار شد؛ به گونه‌ای که معافیت چین از انتقادات حقوق بشری اروپایی به‌طور ناگهانی پایان یافت و حتی تحریم‌هایی را نیز علیه چین اعمال کرد؛ رویکردی که تا مرحله تعلیق قراردادهای سطح بالا، سرد شدن همکاری نظامی و... به پیش برد. اما با این وجود، در دهه ۱۹۹۰، فشار حقوق بشری اروپا علیه چین کاهش یافت؛ تا آنجا که در نیمه این دهه رویکرد حقوق بشری اتحادیه اروپا نسبت به چین از سطح «تقابل گرا یا مواجهه جوانه» به «گفت‌وگو» تغییر کرد؛ هرچند که در عین حال، مواردی از قطعنامه و تحریم‌های مقطعی مشاهده شده است. این روند پرفراز و نشیب تاکنون نیز ادامه یافته است؛ موضوعی که مورد توجه و پافشاری این نوشتار قرار دارد. بر این مبنا، پرسش اصلی این است که نقش

چکیده

چین به عنوان بازیگری تأثیرگذار در عرصه منطقه‌ای و جهانی، همواره در کانون توجه اتحادیه اروپا قرار داشته و این اتحادیه در مناسبات خود با چین، مسائل و موضوعات مختلفی را مدنظر دارد. در این ارتباط می‌توان به دو متغیر حقوق بشر و اقتصاد اشاره نمود. موضع این اتحادیه نسبت به وضعیت حقوق بشر چین در نظر و عمل متفاوت بوده است؛ به گونه‌ای که دول اروپایی از یک‌سو، همواره نسبت به وضعیت نامناسب حقوق بشر در این کشور انتقاد داشته و خواستار بهبود این وضعیت و احترام دولت چین به حقوق شهروندان شده‌اند و از سوی دیگر، این اتحادیه پابندی به منافع حاصل از همکاری و مشارکت اقتصادی با چین را مدنظر داشته و از تأثیرگذاری منفی رویکرد حقوق بشر گرایی بر روابط اقتصادی متقابل، پرهیز نموده است. بر این مبنا، پرسش اساسی این است که میزان اثربخشی مقوله حقوق بشر در روابط اتحادیه اروپا و چین به چه صورت است؟ در این زمینه، فرضیه موردنظر نیز این است که در روابط اتحادیه اروپا و چین، مولفه و متغیر حقوق بشر در مقایسه با ملاحظات اقتصادی و تجاری از جایگاه و نقش نازل‌تر و ثانوی برخوردار بوده است.

واژه‌های کلیدی: حقوق بشر گرایی/ اروپایی، سیاست ناقض حقوق بشر، چین/ اروپا

و جایگاه مقوله حقوق بشر در روابط اتحادیه اروپا و چین چیست؟ در راستای پاسخ‌گویی به این سؤال، فرضیه موردنظر عبارتست از اینکه: به نظر می‌رسد که در روابط اتحادیه اروپا و چین، مولفه حقوق بشر در مقایسه با ملاحظات اقتصادی و تجاری از جایگاه نازل‌تری برخوردار بوده و در اولویت برنامه‌های مسئولان اروپایی قرار ندارد.

۱. رویکرد نظری: جایگاه دموکراسی‌گرایی در سیاست خارجی

دموکراسی‌گرایی یکی از اهداف سیاست‌گذاری خارجی دولت‌ها است که در عین حال، از تأثیر خاصی بر تحولات بین‌المللی (در سال‌های جنگ سرد و بعد از آن) نیز برخوردار بوده است. این مبحث از دو مرجع نظری و عملی مهم در ادبیات مربوط به سیاست و روابط بین‌الملل برخوردار است. از بعد نظری، در چهارچوب مکتب لیبرال می‌توان از نظریه صلح دموکراتیک سخن گفت که با قدمتی بیش از دو قرن از آراء کانت ریشه می‌گیرد و از بعد عملی نیز از رفتار خارجی آمریکا تأثیر پذیرفته است. امانوئل کانت، فیلسوف نامدار آلمانی (۱۷۲۴-۱۸۰۴)، در رساله خود در زمینه روابط بین‌الملل یعنی «صلح پایدار» که در سال ۱۷۹۵ م. یعنی ۶ سال پس از وقوع انقلاب فرانسه منتشر شد؛ فرضیه صلح دموکراتیک^۱ یا صلح‌گرایی دموکراتیک^۲ را مطرح ساخت و بر محور آن از ضرورت دموکراسی برای حکومت و اداره امور خارجی دفاع کرد. وی میان صلح و نوع نظام سیاسی ارتباط برقرار کرده و «حکومت دموکراتیک» را راهی برای پرهیز از جنگ در سطح بین‌المللی معرفی و تجویز می‌کند. (لیست، ۱۳۸۳: ۱۰۷۵) بنابر استدلال کانت، صلح ابدی به واسطه پذیرش «اصول تعیین‌کننده سه گانه صلح» یعنی جمهوری خواهی، احترام و تجارت، تضمین خواهد شد. هنگامی که همه ملت‌ها این اصول تعیین‌کننده را در قالب معاهده‌ای استعاری پذیرفته باشند، صلح ابدی استقرار خواهد یافت. (لینکلتر، ۱۳۸۵: ۹۷) ناگفته نماند که برای اولین بار آراء وی در سال ۱۹۶۴، به وسیله یک جرم‌شناس آمریکایی به نام دین بایست مورد توجه قرار گرفت. وی کوشید که

1. Democratic Peace
2. Democratic Pacifism

براساس یک تحقیق آماری، این ادعا را که «رابطه‌ای مثبت میان صلح و دموکراسی وجود داشته و بر این اساس، دموکراسی‌ها با هم نمی‌جنگند» نشان داد. (طاهایی، ۱۳۸۸: ۲۰۶) بعد از آن در دهه ۱۹۸۰ بود که دوباره این بحث مورد توجه تعدادی از کارشناسان روابط بین‌الملل قرار گرفت. (شهبان، ۱۳۸۸: ۵۱-۵۲) دیدگاه نظریه‌پردازان بعد از کانت را در سه طیف کلی می‌توان طبقه‌بندی کرد: اول افرادی چون جوزف شومپیتر که از منظر اقتصادی - تجاری به موضوع نگریده و بر این باورند که نظام اقتصادی سرمایه‌داری، دولت‌های نوین لیبرال دموکراسی را ذاتاً صلح‌جو و مخالف سلطه نموده است. مورد بعد دیدگاه‌های هنجاری - فرهنگی است که تمایل دموکراسی‌ها را به راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز برای حل اختلافات، نوعی رفتار هنجارگرا تلقی می‌کند؛ نگرشی خاص که به نفی اساسی جنگ به عنوان راهکاری برای حل اختلافات در میان رژیم‌های دموکراتیک منجر می‌شود. (بابل زهی، ۱۳۸۹: ۵۷-۵۵) در این ارتباط، در بحث‌های مربوط به دموکراسی فراملی، چهار رهیافت هنجاری مطرح شده که عبارتند از: بین‌الملل‌گرایی لیبرال، دموکراسی پلورالیست رادیکال، دموکراسی جهان‌گرایانه و دموکراسی مدبرانه. (سیمیور، ۱۳۸۲: ۴۱۰) آخرین مورد به دیدگاه‌های نهادی - ساختاری ارتباط می‌یابد. از این زاویه، به واسطه پیچیدگی فرایند سیاست‌های مردم‌سالاری و لزوم جلب حمایت طیف وسیعی از مردم برای در پیش گرفتن سیاست‌های مخاطره‌آمیز، رهبران رژیم‌های مردم‌سالار تمایلی برای به‌راه انداختن جنگ ندارند؛ مگر در مواردی که جنگ یک ضرورت به نظر آید یا این که اهداف جنگی هزینه‌های بسیج را توجیه کند. (بابل زهی، پیشین، ۳۸-۳۹) البته آرای کانت به عنوان شالوده اصلی نظریه صلح دموکراتیک، از زوایای مختلف مورد ارزیابی و نقد واقع شده است.

در سال‌های اخیر، به ویژه بعد از جنگ سرد که مقوله گسترش دموکراسی از جایگاه بارزتری در سطح خطوط راهنمای رفتار خارجی آمریکا برخوردار شد، مباحث مربوط به «رویکرد دموکراسی‌سازی» یا گسترش و ترویج دموکراسی^۱، به جلوه دیگری از اهداف ملی و حتی راهبرد امنیتی کشورها اشاره دارد. از این زاویه،

1. Democracy Promotion

بازگیر مفروض می‌کشد که در چهارچوب کلان رفتار خارجی خود، از طریق بهره‌گیری از شیوه‌ها و منابع و ابزارهای گوناگون، دولت مخاطب را به ضرورت احترام به مضامین دموکراتیک، خاصه از بعد حقوق بشر در عرصه داخلی، پایبند نماید. در همین ارتباط، برای دولتی که دموکراسی‌سازی را ملاتفر دارد، چند شرط مطرح شده است: اول، برخورداری از نظام ارزشی - فرهنگی دولت مزبور داشته می‌تواند درون‌زا بوده و ریشه در شالوده ارزشی - فرهنگی دولت مزبور داشته باشد؛ و یا بیرون‌زا بوده و از چهارچوب فکری و ارزشی کشوری ثالث یا مجموعه‌ای از کشورها و حتی نهادهای منطقه‌ای یا بین‌المللی پایه‌گیرد؛ دوم، باور عمیق نسبت به اولویت، تقدم، پویایی و ارجحیت نظام ارزشی - فرهنگی یاد شده، نسبت به موارد مشابه در دیگر جوامع؛ سوم، پیوندبخشی میان هدف یا رویکرد گسترش دموکراسی در خارج با الگوی راهبرد امنیت ملی؛ به‌گونه‌ای که در کنار بازنگری دائمی در خطوط راهنمای راهبرد مزبور، به ویژه از بعد ارائه برآوردهای امنیتی مبتنی بر الگوی تهدید - فرصت؛ از پویایی مقوله گسترش دموکراسی غفلت نکرده و از هر فرصتی برای پیشبرد و تحقق آن سود می‌برد. چهارم، برخورداری از نوعی «طرفیت روشنفکرانه» در نظام تصمیم‌سازی خارجی برای ارائه الگوی مفهومی و تحلیلی متناسب با ضرورت‌های پیش‌رو؛ و پنجم، پذیرش نسبی الگوی تمدنی - ارزشی مزبور از سوی دیگر دولت‌ها، به ویژه آنانی که در پیوندهای اقتصادی، سیاسی و نظامی با دولت مفروض قرار دارند. (Burnell, 2005: 367-369)

در عین حال باید توجه داشت که به دلایل خاصی چون تأثیرپذیری مقوله دموکراسی‌سازی از مضامین ارزش‌محور، ادبیات نظری مربوط با پیچیدگی و گسترده‌گی مواجه شده است. در این مورد باید از ابهامات مربوط به چگونگی ارتباطی میان اجزا و عناصر سازنده راهبرد یاد شده سخن گفت؛ از جمله اینکه: اگر دموکراسی‌سازی یکی از اهداف مطلوب سیاست خارجی است، مبنای اولویت‌بندی آن در برابر اهداف دیگری چون امنیت ملی یا رونق و رفاه اقتصادی، کدام بوده و چگونه می‌توان میان آنها همبازی و هم‌افزایی ایجاد کرد؟ در شرایطی که دموکراسی‌سازی از آزادی‌سازی سیاسی متفاوت بوده و حتی یکی بدون دیگری می‌تواند شکل گیرد؛ چگونه می‌توان میان این دو ارتباط برقرار کرد؟ و اساسا، الگوی

تعامل علی‌میان ثبات‌سیاسی، دموکراسی‌سازی، توسعه اقتصادی، عدالت اجتماعی و نظم‌جهانی صلح‌گرا چیست؟، پرسش‌هایی که شاید نتوان پاسخ شفافی برایش یافت. بحث دیگر به میزان موفقیت راهبردهای گسترش دموکراسی از خارج بازمی‌گردد. در این مورد «معیار طلایی» که براساس آن بتوان چهارچوب تحلیلی معتبری برای تمامی جوامع طراحی کرد، وجود نداشته و حتی در شرایطی که متغیرهایی چون «مشارکت مردم در تعیین میزان اعمال دموکراسی»، «ویژگی‌های درونی سرزمین مخاطب دموکراسی‌سازی» و «موانع، فرصت‌ها و محدودیت‌های موجود برای دموکراسی‌سازی» در چهارچوب ارزیابی دخالت یابد، بحث غامض‌تر نیز خواهد شد. دامنه این بحث به دیدگاه‌های «حداقل‌گرایانی» که تنها بر رویه‌های داخلی چون وجود و وجود انتخابات آزاد تمرکز دارند، کشیده شده است. در مقابل، «حداکثرگرایان»، آزادسازی سیاسی را مترادف با آزادی‌های فزاینده مدنی دانسته و معتقدند که بدون وجود سیاست‌های رقابتی چندحزبی، تنها نوعی از آزادسازی (سیاسی) شکل می‌گیرد که باب طبع رژیم‌های دیکتاتوری است. در همین ارتباط، گروهی دیگر نافذترین راهبرد حمایت از دموکراسی‌سازی را در تضمین راه‌های لازم برای برخورداری مردم از مزایای اقتصادی دانسته‌اند؛ آنچه که می‌تواند در قالب آزادسازی اقتصادی به مقدمای برای آزادسازی‌های سیاسی تبدیل شود. (Burnell, 2005: 362-367)

نکته بعد به مرجع تجربی مقوله دموکراسی‌سازی یعنی سیاست خارجی لیبرال امریکا ارتباط می‌یابد. در واقع، به‌رغم نشانه‌های آشکاری که در خصوص رویکرد گسترش و تبلیغ ارزش‌های فکری و عقیدتی در رفتارهای توسعه‌طلبانه و چهره‌جوی قدرت‌های بزرگ خاصه امپراتوری‌های رم و بریتانیا شناسایی شده است (کیوان حسینی، ۱۳۸۹: ۱۷۵-۱۶۵)؛ امریکا را باید از معدود (اگر نگوییم تنها) قدرت‌هایی دانست که پایبندی آشکار به لیبرال‌گرایی و بازتعریف آن در مقوله‌هایی چون حقوق بشر‌گرایی، از سابقه‌ای طولانی در سیاست خارجی‌اش برخوردار است؛ جهت‌گیری که از ابتدای ظهور این سرزمین به عنوان بازیگری مستقل در اواخر قرن هجدهم تاکنون، در مواضع اعلامی و اعلامی آن به چشم می‌خورد. (کیوان حسینی، ۱۳۹۰) بر این مبنای، در کنار توجه به تناقض‌ها و ابهام‌های گسترده در رفتار

دموکراسی‌گرایی آمریکا که تا دامنه «گزینه‌گرایی امنیت محورا» نیز به پیش رفته، نمی‌تواند از میزان اثربخشی الگوی رفتاری یادشده بر دامنه نظریه‌پردازی معطوف به دموکراسی‌سازی غفلت کرد. در این ارتباط می‌توان به آراء اخیر که در باب «لیبرال‌گرایی منفی» و «لیبرال‌گرایی مثبت» ارائه شده است، اشاره کرد؛ نگرشی که بر اساس مقایسه میان لیبرال‌گرایی در دوره‌های ریاست جمهوری آیزنهاور و کندی شکل گرفته است. براین مبنا، لیبرال‌گرایی منفی، اقدام به دخالت در امور دیگر کشورها در جهت گسترش دموکراسی را امری غیرمنطقی دانسته و در مقابل، بر رویکرد «اسرمنش‌گرایی»^۱، به معنی تقویت فضای لیبرالیستی داخلی و تبدیل کردن آن به نمونه‌ای قابل تقلید برای دیگران تأکید داشته و در عین حال، واگذاری برخی مسئولیت‌ها به بازیگران همراه و متحد را نیز تجویز می‌نماید. از سوی دیگر، لیبرال‌های مثبت به دنبال استفاده از دخالت‌های استراتژیک برای ایجاد آزادی جهانی بوده و در این زمینه به مضامینی چون رژیم‌های دموکراتیک، نظام‌های مبتنی بر تجارت باز و قانون و سازمان‌های بین‌المللی پایبندند؛ الگویی ایدئولوژیک که تا پافشاری بر الگوی اقدام جهادگرایانه^۲ پیش می‌رود. (Rittenhouse, fall 2012: 12-20)

۲. نگاهی کلی به جایگاه حقوق بشر در رفتار خارجی اروپا

حقوق بشر سنگ بنای سیاست خارجی اتحادیه اروپاست. این نخستین جمله‌ای است که در خصوص سیاست‌های کلی اتحادیه اروپا در زمینه حقوق بشر در سایت اینترنتی این اتحادیه نگاشته شده است. در جریان گفت‌وگوهای سیاسی که اتحادیه اروپا با کشورهای ثالث دارد، موافقت‌نامه‌های بین‌المللی که امضاء می‌کند و همکاری توسعه‌ای یا اقداماتی که در مجامع چندجانبه‌ای مانند سازمان ملل به عمل می‌آورد، این اتحادیه به دنبال حمایت از جهانشمولی و جدا نبودن انواع مختلف حقوق بشر، همراه با پیشبرد مردم‌سالاری تکررگرایانه و تضمین‌های موثر در زمینه حاکمیت قانون و مبارزه با فقر، می‌باشد.

از زمان امضای معاهده رم که براساس آن جامعه اروپایی در سال ۱۹۷۵

1. Exemplarism

2. Crusading

تاسیس شد، یکپارچگی اروپا مبتنی بر اصول جهان‌شمول آزادی و مردم‌سالاری، احترام به حاکمیت قانون، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی بوده است. با این حال، سه دهه بعد از معاهده رم، اتحادیه اروپا در زمینه گنجاندن حقوق بشر و اصول مردم‌سالاری در سیاست خارجی، اقدام مهمی انجام داد و این موضوع با امضای «معاهده اتحادیه اروپا» در نوامبر سال ۱۹۹۳، وارد مرحله اجرایی شد. معاهده مذکور توسعه و تحکیم مردم‌سالاری، حاکمیت قانون و احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را هدف اصلی سیاست مشترک خارجی و امنیتی اتحادیه (اروپا) قرارداده و افزون‌بر آن تصریح داشت که سیاست جامع اروپا در حوزه همکاری توسعه‌ای باید به توسعه و تقویت مردم‌سالاری و حاکمیت قانون و نیز احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی کمک کند. ماده ۶ معاهده آمستردام، به روشنی بیان می‌کند که اتحادیه براساس اصول آزادی، مردم‌سالاری، احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و حاکمیت قانون یعنی اصولی که در تمام کشورهای عضو مشترک هستند، بنا شده است. این معاهده همچنین سازوکاری برای تحریم کشورهایی که مرتکب نقض جدی و مستمر حقوق بشر می‌شوند، توسط کشورهای عضو اتحادیه اروپا برقرار کرده است. سازوکار مزبور توسط منشور حقوق اساسی اتحادیه اروپا که در شهر نیس و در ماه دسامبر ۲۰۰۰ منتشر شد، مستحکم گردید؛ سندی که برای اولین بار در تاریخ اتحادیه و در قالب متنی واحد، از یک‌سو انواع حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شهروندان اروپایی را تعیین کرد؛ و از سوی دیگر، شرایط پذیرش عضویت در اتحادیه را براساس میزان پایبندی به حقوق بشر معرفی کرد. (king, 2000: 313)

از سوی دیگر، در عرصه رفتار عملی اتحادیه اروپا نیز می‌توان با قرائن خاصی از اهتمام به حقوق بشر مواجه شد. در این ارتباط، به منظور پیشبرد اهداف حقوق بشر و روند مردم‌سالاری در روابط خارجی، بر ابزارهای مختلفی تأکید شده است. برخی از این ابزارها همان ابزارهای دیپلماتی و سیاست خارجی سنتی مانند اعلامیه‌ها، اقدامات سیاسی و نیز قطعنامه‌ها و مداخلات در چهارچوب سازمان ملل هستند. علاوه بر این، اتحادیه از طریق برنامه‌های مختلف همکاری و کمک که در کشورهای ثالث اجرا می‌کند و از طریق گفت‌وگوی سیاسی که با آنها انجام می‌دهد،



به پیشبرد حقوق بشر و روند دموکراسی می‌پردازد. به این منظور، اتحادیه اروپا از مبنای حقوقی خاصی پیروی می‌کند که به نام «بند حقوق بشر» شناخته می‌شود و در تقریباً تمام موافقت‌نامه‌های اتحادیه اروپا با کشورهای ثالث، به عنوان موفقه‌ای اساسی گنجانده می‌شود. مکاتبات سال ۲۰۰۱ بین کمیسیون و شورا و پارلمان اروپا، سه اولویت مشخص را تعیین می‌کند که از طریق آن کمیسیون اروپا می‌تواند به نحوی موثر به پیشبرد حقوق بشر و روند مردم‌سالاری بپردازد: (۱) پیشبرد سیاست‌های منسجم و سازگار در حمایت از حقوق بشر و روند مردم‌سالاری؛ (۲) دادن اولویت بیشتر به حقوق بشر و روند مردم‌سالاری در روابط اتحادیه اروپا با کشورهای ثالث و اتخاذ رویکردی فعال‌تر به خصوص از طریق استفاده از فرصت‌های فراهم شده در نتیجه گفت‌وگوی سیاسی، کمک تجاری خارجی؛ (۳) اتخاذ رویکردی راهبردی‌تر به طرح اروپایی مردم‌سالاری و حقوق بشر و انطباق برنامه‌ها و پروژه‌ها در این زمینه با تعهدات اتحادیه اروپا در زمینه حقوق بشر و مردم‌سالاری. (Baker, 2002: 36)

نکته دیگر به گفت‌وگوهای حقوق بشری اتحادیه اروپا مربوط می‌شود؛ گفت‌وگوهایی که در چهارچوب سیاست خارجی و امنیتی مشترک صورت می‌گیرد. این نوع پابندی به حقوق بشر، در چهارچوب معاهدات اتحادیه اروپا با کشورهای ثالث نیز مشاهده می‌شود. از سال ۱۹۹۵، تمامی موافقت‌نامه‌های دوستی و نیز موافقت‌نامه‌های شراکت و همکاری با کشورهای ثالث، دارای بندی است که به صراحت بیان می‌کند مسئله حقوق بشر عنصری اساسی در روابط بین دوطرف است. منطلق اصلی برای گنجاندن چنین بندی، ایجاد مبنایی مثبت برای پیشبرد حقوق بشر در کشورهای ثالث از طریق گفت‌وگو و متقاعدسازی است. به عبارت دیگر، اقدام مثبت بر استفاده از اقدامات تنبیهی ترجیح داده می‌شود. نقش محوری حقوق بشر به خصوص در موافقت‌نامه کوتونو (که معاهده‌ای به منظور تجارت و ارسال کمک بین کشورهای عضو اتحادیه اروپا و ۷۸ کشور در حال توسعه در مناطق افریقا، کارائیب و حوزه اقیانوس آرام است)، کاملاً مشهود است. (Merlingen and Sedelmeier, 2001: 11)

۳. نقش مقوله حقوق بشر در روابط متقابل اروپا و چین

موضوع حقوق بشر یکی از جدی‌ترین فاکتورهای مفهومی در روابط چین و اتحادیه اروپا است که می‌تواند مهم‌ترین عامل واگرایی بین آنها نیز محسوب شود. در ابتدا باید گفت که اختلاف بین چین و اتحادیه در مورد حقوق بشر از تفاوت آنها در فرهنگ تاریخی، سنت‌ها، سیستم سیاسی و مراحل توسعه اقتصادی ریشه می‌گیرد، که به بروز نوعی اختلاف برداشت در ایجاد مختلف منجر شده است. نخست باید از تفاوت بین فردگرایی و جمع‌گرایی سخن گفت. از دیدگاه فرهنگ چینی، یک فرد همیشه و همواره در یک گروه اجتماعی زندگی کرده و دولت (به عنوان نماینده اجتماع)، می‌تواند به خوبی اختلافات بین افراد را حل و فصل کرده، ثبات اجتماعی را حفظ نموده و به فهم منافع مشترک جمعی کمک نماید؛ وضعیتی که زمینه را برای تضمین منافع فردی نیز فراهم می‌آورد. بنابراین چینی‌ها افرادی علاقه‌مند به جمع‌گرایی بوده و در عین حال از منافع کل‌نگرانه دولت و جمع دفاع می‌کنند. در برابر این شیوه علاقه‌مندی به «حقوق بشر جمعی و حق بقاء و توسعه کل مردم»، اروپایی‌ها تمرکز بر ارزش‌ها در فرد و پافشاری بر فردگرایی به عنوان معیار و ملاک نهایی اقدام اجتماعی را مدنظر داشته و اجتماع را ابزاری برای تحقق ارزش فردی تلقی می‌کنند. نکته دوم به تفاوت بین عام‌گرایی و نسبی‌گرایی مربوط می‌شود. چین جهان‌شمولی حقوق بشر را رد کرده و با توجه به گسترش و تنوع فرهنگی در جهان، بر این نکته پافشاری دارد که توسعه حقوق بشر باید متناسب با پیشینه فرهنگی و تاریخی و مراحل توسعه اقتصادی هر جامعه طراحی و اجرا شود. در مقابل، برداشت اروپا در خصوص حقوق بشر با تفکر حق طبیعی دنیال می‌شود. اروپایی‌ها حقوق بشر را امری جهان‌شمول دانسته و در عین حال، الگوی اروپایی حقوق بشر را الگویی قابل تعمیم به دیگر مناطق جهان تلقی می‌کنند. سوئمن نکته به تفاوت بین حاکمیت و حقوق بشر مربوط می‌شود. از زاویه رهبران یکن، حقوق بشر و حاکمیت مکمل یکدیگر بوده و در واقع اولی پیش‌شرط و تضمین کننده دومی باید تلقی شود. از این زاویه، اینان تأکید دارند که مسئله حقوق بشر ذاتاً از امور داخلی دولت بوده و نمی‌توان حقوق ناشی از مداخله در امور داخلی و حوزه حاکمیت دولت متهم به نقض حقوق بشر را امری قابل پذیرش دانست. در حالی که





برای اروپایی‌ها، هدف نهایی از حقوق بشر رها نمودن فرد از نفوذ و سلطه عمومی دولت است. بنابراین، برداشت حقوق بشری اروپا ذاتا مخالف سلطه عمومی است. (Chi and Zicheng, 2005: 22) در ادامه، مقاطع مختلف روابط میان اروپا و چین بر محور مقوله حقوق بشر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱. حقوق بشر در روابط اروپا با چین قبل از حادثه تیان آنمن

می‌توان گفت که تا قبل از حوادث نافی حقوق بشرگرایی پکن تا ۱۹۸۹، این مؤلفه از نقش حداقلی در روابط بین چین و دول اروپایی برخوردار بود. در این ارتباط، بیان شده که در سرتاسر دهه ۱۹۸۰، حقوق بشر در روابط چین و اروپا، موضوعی «غیر مرتبط» محسوب می‌شد. (Noesselt, 2012: 25)

این وضعیت در شرایطی مطرح بود که مسئله حقوق بشر در چین، باعث نگرانی سازمان‌های حقوق بشری شده و اینان گزارش‌هایی را نیز در جهت افشای رفتارهای ناقض حقوق بشر در این کشور ارائه می‌دادند؛ چنان‌که در سال ۱۹۸۷، سازمان عفو بین‌الملل گزارشی را تحت عنوان «زندانیان سیاسی در جمهوری خلق چین» منتشر کرد. در واقع، دول اروپایی در این دوره با وضعیت حقوق بشر چین به عنوان یک مسئله دیپلماتیک برخورد نمی‌کردند. این نوع تساهل و اغماض تا جایی پیش رفت که برخی تحلیل‌گران از تعبیر سکوت برای تشریح این نوع رفتار دول اروپایی (غیر از فرانسه) استفاده کرده‌اند. ناگفته نماند در همین دوره از سوی برخی مجامع بین‌المللی چهار سند در خصوص حقوق بشر چین منتشر شد که در آن به موضوعاتی چون تایوان، سرکوب تظاهرات‌کنندگان تبت، اعدام دسته‌جمعی و وضعیت کشیشان کاتولیک چینی اشاره شده بود. (Kent, 1995: 47)

علل این بی‌توجهی اروپا نسبت به وضعیت حقوق بشر در چین به عوامل مختلفی بازمی‌گشت؛ نخست می‌تواند ناشی از ماهیت سیاست خارجی حقوق بشری آن باشد. آنها تا اواخر دهه ۱۹۷۰، اصل پایبندی به حقوق بشر را در نظام تصمیم‌سازی خارجی نگنجانده بودند. افزون‌بر آن، در اوایل این دهه غرب، چین را به عنوان یک عامل بازدارنده استراتژیک در برابر شوروی تلقی می‌کرد. دلیل دیگر، منافع فراوان اروپا در حمایت از اصلاحات اقتصادی چین و دستیابی به بازار چین

بود. روی هم رفته، از ۱۹۷۵، زمانی که چینی‌ها پیوندهای دیپلماتیک با جامعه اروپا برقرار نمودند، تا ژوئن ۱۹۸۹ که حادثه تیان‌آنمن اتفاق افتاد، چین پیشرفت منظمی را در پیوندهای اقتصادی و سیاسی با اروپای غربی پی گرفت. از سوی دیگر، جامعه اروپا نیز تاکید داشت که تجارت با چین در مقایسه با روابط سیاسی یا استراتژیک، از اولویت بالاتری برخوردار است؛ که همین رویکرد باعث شد که پیشرفت خوبی در روابط اقتصادی این اتحادیه با چین حاصل شود. جدول زیر سیر صعودی روابط دوطرف تا ژوئن ۱۹۸۹ را آشکار می‌نماید. (Shambaugh, 2004: 15)

جدول شماره (۱). تجارت چین با اروپا از ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۹

سال	صادرات چین	واردات چین	تجارت کل
۱۹۷۵	۰.۸۰۹	۱.۵۹۰	۲.۳۹۹
۱۹۷۶	۰.۸۵۰	۱.۶۶۱	۲.۵۱۱
۱۹۷۷	۰.۸۸۰	۱.۲۶۸	۲.۱۴۸
۱۹۷۸	۱.۱۹۹	۲.۰۸۵	۳.۲۸۴
۱۹۷۹	۱.۷۲۳	۳.۳۴۱	۵.۰۶۴
۱۹۸۰	۲.۳۰۰	۳.۶۷۱	۵.۹۷۱
۱۹۸۱	۲.۴۹۵	۳.۷۶۰	۶.۲۵۵
۱۹۸۲	۲.۱۳۶	۳.۲۸۴	۵.۴۲۰
۱۹۸۳	۲.۳۱۹	۳.۳۷۶	۵.۶۹۵
۱۹۸۴	۲.۳۵۴	۳.۵۲۸	۵.۸۸۲
۱۹۸۵	۲.۲۵۴	۶.۱۰۷	۸.۳۶۱
۱۹۸۶	۳.۹۹۳	۷.۶۵۸	۱۱.۶۵۱
۱۹۸۷	۳.۸۸۵	۷.۲۶۵	۱۱.۱۵
۱۹۸۸	۴.۷۲۱	۸.۱۵	۱۲.۸۷۱
۱۹۸۹	۸.۲۶	۱۴.۷۵	۲۳.۵۱۰

Source: collected from Chinese Statistics Bureau and China's Customs Statistics

۳-۲. حقوق بشر گرایی اروپایی در روابط با چین، بعد از تیان آنمن

از زمان وقوع حوادث میدان تیان‌آنمن در ۱۹۸۹، مسئله حقوق بشر چین به یکی از موضوعات مهم در روابط خارجی این دولت با دموکراسی‌های غربی تبدیل شد. مدافعان بین‌المللی حقوق بشر و برخی کشورهای غربی، در گزارش‌های سالانه خود نسبت به نقض گسترده معاهدات بین‌المللی حقوق بشری و ایجاد محدودیت در خصوص آزادی‌های اساسی توسط دولت چین، ابراز نگرانی کرده‌اند. این در حالی بود که پکن به برخی معاهدات بین‌المللی چون «پیمان بین‌المللی حقوق مدنی

منوع اعلام شد. (15) Jacobs, 2009: اما، علی‌رغم اعمال این نوع سرکوب مخالفان سیاسی، دولت‌های اروپایی سعی نمودند تا نظر دولت چین را جلب کنند. چنانکه زمین در اکتبر ۱۹۹۹، به دیدار بریتانیا، فرانسه و پرتغال رفت که به طور باشکوهی مورد استقبال قرار گرفت. ناگفته نماند که این سفر با اقدام دولت پکن برای متهم‌سازی چهار فعال دموکراسی به دزدی اسرار دولتی مقارن شد. گرهارد شرودر در دیدار از پکن نیز اعلام نمود که آلمان نسبت به اقدام به ضرر چین، بر محور وجود هرنوع تفاوت و اختلاف عقاید در مورد دموکراسی، مخالفت خواهد کرد. در دسامبر همان سال، از سوی ریاست کمیسیون اتحادیه اروپا، رومانو پرودی، ضرورت تصویب نهایی دو توافقنامه حقوق بشری بین‌المللی در مورد لغو مجازات اعدام و از سرگیری گفت‌وگو با دلایلی لایما از سوی پکن را مورد تأکید قرارداد. آنها همچنین سرکوب اخیر فعالان دموکراسی و جنبش مذهبی فالون‌گونگ توسط چینی‌ها را بر جسته کردند. در جولای نیز کمیسیونر جدید اتحادیه اروپا در روابط خارجی، قول داد که موضع محکم‌تری در خصوص وضعیت حقوق بشر چین در پارلمان اروپا اتخاذ کند. او تعهد سازنده، همکاری چندجانبه و ارتقاء حقوق بشر، حکمرانی خوب و حکومت قانون را به عنوان سه هدف اساسی اتحادیه اروپا در روابطش با آسیای شرقی عنوان کرد. (14) Zhang, 2006: در این بین، فقدان حمایت قوی اروپا باعث شد تا تلاش‌های ایالات متحده در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در سال ۲۰۰۰ برای محکوم نمودن پکن، با شکست مواجه شود. به‌طور کلی می‌توان گفت که در دهه پایانی قرن بیستم، رویکرد قابل دوام برای اروپا، استقبال از رشد چین و استفاده از منافع آن از طریق تجارت آزاد است. در واقع، هرچند موضوعات متعددی از قبیل مسئله حقوق بشر، توسعه پایدار، محیط زیست و مهاجرت یا امنیت در آسیای شرقی، جزو اولویت‌های اتحادیه اروپا در قبال چین در این دوره بود، اما روابط اقتصادی دربرگیرنده بخش مهم و بزرگ استراتژی اتحادیه اروپا در قبال این دولت به خصوص پس از جنگ سرد بود. (31) Patten, 2000: روابط میان اروپا و چین با آغاز قرن جدید، با پیشرفت قابل ملاحظه‌ای همراه بوده است. از جمله صادرات اروپا به چین بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۲، از رشد صد درصدی برخوردار بود و میزان تجارت کالا بین

دو طرف نیز ۴۰۰ درصد رشد داشت. (34) Moeller, 2012: در سال ۲۰۱۲، کالاهای صنعتی ۹۶ درصد از کل واردات اتحادیه اروپا از چین را به خود اختصاص داد. (45) Hackenesch, 2012: برای فهم بیشتر از میزان مبادلات تجاری دوطرف، می‌توان به جداول و نمودار ذیل توجه نمود:

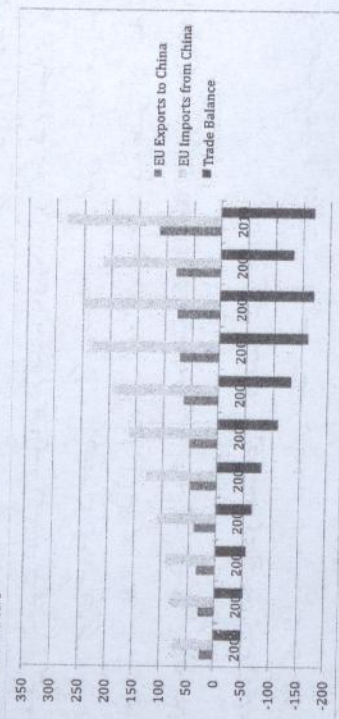
جدول شماره (۳). تجارت چین و اتحادیه اروپا

سال	صادرات چین	واردات چین	تجارت کل
۱۹۹۳	۱۱,۶۹۳	۱۱,۳۱۲	۲۶,۰۰۵
۱۹۹۴	۱۴,۵۸۰	۱۶,۹۳۹	۳۱,۵۱۹
۱۹۹۵	۱۹,۰۰۹	۲۱,۲۵۰	۴۰,۲۳۴
۱۹۹۶	۱۹,۸۳۰	۱۹,۸۶۷	۳۹,۶۹۸
۱۹۹۷	۲۳,۸۱۱	۱۹,۱۹۲	۴۳,۰۰۴
۱۹۹۸	۲۸,۱۴۹	۲۰,۷۱۵	۴۸,۸۶۴
۱۹۹۹	۳۰,۳۱۱	۲۵,۲۶۵	۵۵,۵۷۶
۲۰۰۰	۳۸,۱۹۳	۳۰,۸۴۵	۶۹,۰۳۸
۲۰۰۱	۴۰,۹۰۴	۳۵,۷۳۳	۷۶,۶۳۷
۲۰۰۲	۴۸,۳۱۲	۳۸,۵۴۳	۸۶,۸۵۵
۲۰۰۳	۷۲,۱۵۵	۵۳,۰۶۲	۱۲۵,۲۱۷

Sources: collected from Chinese Statistics Bureau and China's Customs Statistics

	T-۴	T-۳	T-۲	T-۱	T-۰	T-۱	T-۲	T-۳	T-۴	T-۵	T-۶	T-۷	T-۸	T-۹	T-۱۰	T-۱۱	T-۱۲
صادرات اتحادیه اروپا	۱۵۸	۲۰۶	۲۵	۹۰۳	۹۱۳	۹۸۳	۱۰۸۳	۱۱۸۳	۱۲۸۳	۱۳۸۳	۱۴۸۳	۱۵۸۳	۱۶۸۳	۱۷۸۳	۱۸۸۳	۱۹۸۳	۲۰۸۳
واردات اتحادیه اروپا	۱۷۶	۸۲	۹۰۱	۱۰۶۲	۱۱۶۲	۱۲۶۲	۱۳۶۲	۱۴۶۲	۱۵۶۲	۱۶۶۲	۱۷۶۲	۱۸۶۲	۱۹۶۲	۲۰۶۲	۲۱۶۲	۲۲۶۲	۲۳۶۲
تجارت کل	-۵۸	-۵۱۳	-۸۵	-۹۷۱	-۹۴۹	-۹۷۹	-۱۰۷۹	-۱۱۷۹	-۱۲۷۹	-۱۳۷۹	-۱۴۷۹	-۱۵۷۹	-۱۶۷۹	-۱۷۷۹	-۱۸۷۹	-۱۹۷۹	-۲۰۷۹

Sources: Eurostat



Sources: Eurostat



نتیجه‌گیری

در طول بیش از ۳۵ سال گذشته، اتحادیه اروپا و چین همواره تمایل خود را مبنی بر گسترش و تعمیق روابط دوجانبه در ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و علمی بیان نموده‌اند؛ برداشت متقابلی که عمدتاً از نگاه فرصت‌محور این دو به یکدیگر ریشه می‌گیرد. با این وجود، روابط مزبور از بعد میزان حساسیت طرف اروپایی به مقوله حقوق بشر، به مقاطع گوناگونی تقسیم شده است که در این زمینه واقعه سرکوب شورش دانشجویی در سال ۱۹۸۰ در میدان تیان‌آنمن پکن، از اهمیت خاصی برخوردار است. به طور کلی، مداخله متغیر حقوق بشرگرایی در روابط این دو، الگوی رفتاری طرف اروپایی را با نوعی تعارض‌نمایی (پارادوکس) مواجه ساخته است. به عبارت دیگر، دول اروپایی از یک سو، در مذاکرات و گفت‌وگوهای حقوق بشری خود با چین، همواره نسبت به وضعیت نامناسب حقوق بشر در این کشور انتقاد داشته و خواستار بهبود این وضعیت و احترام دولت چین به حقوق شهروندان چینی شده‌اند. اما از سوی دیگر، این اتحادیه با توجه به توسعه اقتصادی فراینده چین، سهم فراینده آن در تجارت جهانی و...، نگاه ویژه‌ای به این کشور داشته و دارد؛ رویکردی که در مذاکرات و توافقات متقابل قابل مشاهده است. فصل مشترک و محور تمامی این اسناد، حمایت از رشد و توسعه اقتصادی آن، شرکت دادن چین در سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی، توسعه پیوندهای تجاری و افزایش دسترسی به بازار آن، افزایش همکاری‌های صنعتی، تقویت تجارت دوجانبه، افزایش سرمایه‌گذاری و... می‌باشد. همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، اتحادیه اروپا با نوعی ناتوانی یا اهمال در تعیین حدود اثربخشی رویکرد حقوق بشرگرایی در چهارچوب ملاحظات امنیتی خود روبه‌رو است؛ که پی‌آمد آن را در کاهش اهمیت متغیر حقوق بشر در روابط اقتصادی اتحادیه با چین می‌توان مشاهده کرد؛ شرایطی که رهبران اروپا را بیش از تقابل و مواجهه، به سوی رویکرد مبتنی بر گفت‌وگو با چین سوق داده است.^۴

منابع

الف - فارسی

- امیدوارنیا، محمدجواد. ۱۳۸۲. چین در شرایط نوین جهانی، *نامه‌دفاع*، شماره اول.
- بابا زهی، رحیمه. ۱۳۸۹. *سیاست‌های لیبرالی آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر و ثبات آفرینی در افغانستان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی (به راهنمایی دکتر سیداصغر کیوان‌حسینی)، دانشگاه فردوسی مشهد.
- دوثرتی، و فالترگراف. ۱۳۷۶. *نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل*، مترجمین: وحید بزرگی و علیرضا طبیب، تهران: نشر قومس.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. ۱۳۷۷. رویکرد نظری به نقش‌آفرینی اتحادیه اروپا، *اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، شماره ۱۴۱-۱۴۲.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. ۱۳۸۴. *نظریه‌های مختلف در روابط بین‌الملل*، جزوه درسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. ۱۳۸۷. *نظریه نهادگرایی تشویرال و همکاری‌های بین‌المللی، مجله سیاست خارجی*، شماره ۳.
- شیهان، مایکل. ۱۳۸۸. *امنیت بین‌الملل*، ترجمه سیدجلال دهقانی فیروزآبادی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- طاهایی، سیدجواد. ۱۳۸۸. *روندما و نظریه‌های دموکراتیک در روابط بین‌الملل*، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
- کیوان‌حسینی، اصغر. ۱۳۸۹. کارکرد مکتب پساگراشی در تشریح رفتار نرم‌افزاری بازیگر چیره‌طلب، *راهبرد*، سال نوزدهم، شماره ۵۶، صص ۱۸۵-۱۶۲.
- کیوان‌حسینی، اصغر. ۱۳۹۰. *جایگاه قدرت نرم در سیاست خارجی آمریکا: از ظهور تا دنیای بعد از یازدهم سپتامبر*، تهران: اندیشه سازان نور.
- گرفین، کیت. ۱۳۷۸. *مروری بر جهانی شدن و گذار اقتصادی*، ترجمه: محمدرضا فرزین، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
- لیست، سمور مارتین. ۱۳۸۳. *دموکراسی، ترجمه کامران فانی و نورالله مرادی*، تهران: وزارت امور خارجه.
- لینکلتر، آندرو. ۱۳۸۵. *صلح لیبرالی، ترجمه علیرضا طبیب*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و

- Prodi, Romano. 2004. Economic Relations between EU and China, Presentation to: The China-Europe International Business: http://europa.eu.int/comm/external_relations/china/intro/speech04_178.htm.
- Rittenhouse, Brendan. 2012. Two Concepts of Liberty U.S. Cold War Grand Strategies and the Liberal Tradition, *International Security*, Vol. 37, No. 2.
- Sandschneider, Eberhard. 2002. China Diplomatic Relation with the States of Europe, *China Quarterly*, No.169.
- Shambaugh, David. 2004. China and Europe: The Emerging Axis, *Current History*, No.103.
- Shambaugh, David. 2011. International Relations Studies in China: History, Trends, and Prospects, *International Relations of the Asia Pacific*, NO.11.
- Study of Multi-Lateral Monitoring: 1989-1994, *Human Rights Quarterly*, No.17.
- U.S. Department of State. 2011. 2010 Human Rights Report: China-Falun Gong Deaths in Study Continue to Rise as Crackdown Worsens: <http://www.amnesty.org/en/library/asset/ASA17/048/2000/en/c2a91cca-dc75-11dd-b511-85b064f5a516/asa170482000en.pdf>.
- Wan, Ming. 2001. *Human Rights in Chinese Foreign Relations*, Philadelphia: University of Pennsylvania Press.
- Zhang, Enyu. 2006. EU-25 and the PRC: Moving toward a Strategic Partnership, University of Missouri, 47th Annual Convention of the International Studies Association.

- Baker, Philip. 2002. Human Rights- Europe and the People of Republic of China, *China Quarterly*, Vol.1 No. 169.
- Barroso, Manuel. 2005. The EU and China: Painting a Brighter Future Together, speech at: the Chinese Academy of Social Sciences: <http://www.delchn.cec.eu.int/en/whatsnew/pren150705.htm>.
- Burnell, Peter. 2005. Political Strategies of External Support for Democratization, *Foreign Policy Analysis*, Vol. 1.
- Chi, Zhang and Ye Zicheng. 2005. The Difference of Human Rights Concepts and China-EU Relations, *International Review*, No. 12.
- Commission of the European Communities. 1998. Building a Comprehensive Partnership with China, Brussels: <http://eur-lex.europa.eu/LexUriServ/LexUriServ.do?url=COM:1998:0181:FIN:EN:PDF>.
- Hackenesch, Christine. 2012. The European Union and China in Ethiopia, *Center for Chinese Studies*, No. 3.
- Jacobs, Andrew. 2009. China Still Presses Crusade Against Falun Gong, *New York Times*.
- Kent, Ann.1995. China and the International Human Rights Regime: a Case King, Toby. 2000. Human Rights in Foreign Policy E.U Success or Failure for Post Modern Diplomacy? *Institute of Advanced Studies*, Vol. 10, No. 2.
- Merlingen .M and U. Sedelmeier. 2001. The Right and the Righteous? European Norms, Domestic Politics and the Sanctions against Austria, *Journal of Common Market Studies*, No. 60.
- Moeller, K. 2012. Diplomatic Relations and Mutual Strategic Perceptions: China and the European Union, *China Quarterly*, No. 169.
- Nicola, C. 2006. The Evolution of the EU-China Relationship: from Constructive Engagement to Strategic Partnership, *EU Institute for Security Studies*, No. 64.
- Noessel, Nele. 2012. Chinese Perspectives on International Power Shift and Sino-EU Relations (2008-2011), *Institute of Asian Studies*, No. 193.
- Patten, Chris. 2000. What Does European Common Foreign and Security Policy Mean for Asia? Speech by: Commissioner For External Relations, *Japan Institute For International Affairs*: <http://www.deljpn.ec.europa.eu/>